



اعتراف مجرم سابقه‌دار در به شهادت رساندن کادر سیاه

مجرم سابقه‌دار که متهم است سردار نادر پیرامی را با ضربات چاقو به شهادت رسانده‌است، بازداشت و به جرمش اعتراف کرد.

عصر روز جمعه، ۲۷ آبان مراسم ترحیم یکی از بزرگان یارسان در شهرستان صحنه برگزار بود که ادامه مراسم با تنش همراه شد. همزمان با بالاگرفتن تنش، سردار نادر پیرامی، مسئول اطلاعات سپاه شهرستان صحنه برای پایان دادن به تنش در محل حاضر شد که با ضربه چاقوی یکی از شرکت‌کنندگان مجروح و به علت شدت جراحات به شهادت رسید. بعد از آن بود که تیم‌های پلیس در محل حاضر شدند و عدای از شرکت‌کنندگان در نزاع را بازداشت کردند. سردار علی اکبر جاویدان، فرمانده انتظامی استان کرمانشاه گفت: متهم اصلی پرونده در جریان تحقیقات بازداشت شده و به ارتکاب جنایت اعتراف کرده‌است. متهم ۲۲ ساله از مجرم سابقه‌دار است که چاقوی مورد نظر هم از وی کشف شده‌است.

مرگ زن جوان هنگام عمل پینی

زنی جوان هنگام عمل جراحی پینی در یکی از کلینیک‌های تهران به طرز مشکوکه به کام مرگ رفت. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

به گزارش «جوان»، عصر روز یکشنبه ۲۹ آبان امسال قاضی محمد وهابی، بازپرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۸ نواب از مرگ مشکوک زنی جوان در یکی از بیمارستان‌ها با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل شد.

بررسی‌های تیم جنایی نشان داد زنی جوان به نام رونا پویا پنج روز قبل برای عمل جراحی پینی به کلینیکی می‌رود که حین عمل جراحی حالت بدی و برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود. از سوی دیگر مسئولان کلینیک ادعا کرده‌بودند رونا در اتاق عمل دچار سکت قلبی شده‌است و آنها او را احیا و برای درمان به بیمارستان منتقل کرده‌اند، اما تیم پزشکی بیمارستان مدعی بودند زمانی که رونا به بیمارستان منتقل شد، دچار مرگ مغزی بود و کاری از دست تیم پزشکی ساخته نبوده‌است.

بدین ترتیب همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ، خانواده رونا از مسئولان کلینیک و تیم پزشکی بیمارستان به اتهام مرگ دخترشان شکایت کردند. پرونده برای بررسی به دستور بازپرس جنایی به داسرای جرائم پزشکی فرستاده شد.

دستبرده به خانه‌های ویلایی

با همدستی نگهبان ساختمان

نگهبان یکی از خانه‌های ویلایی محله امامزاده داوود که آمار خانه‌های خالی را در اختیار زن و مردی سارق قرار می‌داد، به همسراه همدستانش بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ جلیل موقوفه‌ای، رئیس پلیس پیشگیری پایتخت گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابه درباره سرقت از خانه‌های ویلایی محله امامزاده داوود و کن به مأموران پلیس گزارش شد. بررسی‌ها نشان داد سارقان در نبود صاحبخانه‌ها وارد محل و بعد از دستبرد متواری می‌شدند. تحقیقات با بررسی دوربین‌های مداربسته ساختمان‌ها ادامه پیدا کرد و معلوم شد سرقت‌ها از سوی زن و مردی سارق در حال رقم خوردن است. براساس تصاویر دوربین‌های مداربسته متهمان با خودروی پراید در محل حاضر و بعد از سرقت متواری می‌شدند. بعد از یک دست آمدن این سرنخ بود که مأموران با بررسی شماره پلاک خودرو موفق شدند زن و مرد سارق را که قصد داشتند برای سرقت وارد یک خانه شوند، شناسایی و آنها را بازداشت کنند. دو متهم در بازجویی‌ها اعتراف در نبود صاحبخانه‌ها که از مدتی قبل به ۱۵ خانه ویلایی دستبرد زده‌اند. آنها گفتند نگهبان یکی از خانه‌های محل که مردی افغان است، آمار خانه‌های خالی را در اختیارشان می‌گذاشت و آنها در کمال آرامش مرتکب سرقت می‌شدند. با اطلاعاتی که متهمان در اختیار پلیس گذاشتند، همدست آنها هم شناسایی و بازداشت شد. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان ادامه دارد.

صندوقدار فروشگاه با کارتخوان خودش برداشت می‌کرد!



خواهر پس از بازداشت به سرقت‌های سریالی اموال شهروندان در مترو، اتوبوس و مکان و مراکز خرید شلوغ اعتراف کردند. متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

خواهر پس از بازداشت به سرقت‌های سریالی اموال شهروندان در مترو، اتوبوس و مکان و مراکز خرید شلوغ اعتراف کردند. متهمان برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

استخدام شدم و صاحب فروشگاه هم به من اعتماد داشت و من هم امانتدار خوبی برای او بودم تا اینکه با زن جوانی به نام فریبا آشنا شدم. او به من ابراز علاقه کرد و من هم عاشق او شدم. مدتی بعد او یک دستگاه کارتخوان به من داد و گفت پول خرید بعضی مشتریان را به کارت او واریز کنم. اول قبول نکردم، اما گفت می‌خواهد با پول‌های سرقتی خانهای اجاره کند و بعد با هم زندگی کنیم. من فریب او را خوردم و هر روز بخشی از پول‌های خرید مشتریان را به حساب او از طریق دستگاه کارتخوانی که به من داده‌بود، منتقل می‌کردم تا اینکه چند روز قبل از کارت یکی از مشتریان مبلغی اشتباهی برداشت کردم و دستم رو شد.»

با اعتراف متهم مأموران راهی خانه فریبا شدند و در آنجا مقدار زیادی پول، کیف و مدارک سرقتی کشف کردند که بررسی‌ها نشان داد فریبا و خواهرش علاوه بر همدستی در سرقت از فروشگاه پروتئینی سرقت‌های سریالی دیگری هم مرتکب شده‌اند. دو

پسر عاشق پیشه که مسئول فروش فروشگاه بزرگ بود، با کارتخوانی که زن مورد علاقه‌اش در اختیارش گذاشته بود، از حساب مشتریان برداشت می‌کرد.

چند روز قبل صاحب فروشگاه بزرگی در تهران به اداره پلیس رفت و از سرقت‌های سریالی یکی از فروشندگان شکایت کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: «فروشگاه بزرگ محصولات پروتئینی دارم و چند کارمند هم در فروشگاه مشغول به کار هستند. فروشم زیاد است و به همین خاطر پسر جوانی به نام بهروز را که اعتماد زیادی به او داشتم، به عنوان صندوقدار گذاشته بودم. هرگز فکر نمی‌کردم به من خیانت کند، اما به تازگی متوجه شدم مدتی است پول خرید بعضی از مشتریانم را به صورت مخفیانه به کارت و حساب دیگری منتقل می‌کند. یک روز قبل زنی به فروشگاه آمد و گفت به جای برداشت ۹۰۰ هزار تومان مبلغ ۹ میلیون تومان از کارتش برداشت شده‌است و وقتی بررسی کردم، دیدم این مبلغ اصلاً به حساب من واریز نشده‌است و بعد متوجه سرقت‌های سریالی بهروز شدم.»

دستگاه کارتخوان دوم با طرح این شکایت مأموران بهروز را بازداشت کردند، اما وی منکر جرم خود شد تا اینکه مأموران در بررسی‌های فنی دریافتند وی دستگاه کارتخوانی با خود به فروشگاه می‌برده و پول خرید بعضی مشتری‌ها را به آن دستگاه کارتخوان واریز می‌کرده‌است.

بهروز وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد، به جرم خود با همدستی زن جوانی به نام فریبا اعتراف کرد. وی گفت: «یک سال قبل در فروشگاه

پلیس قلابی از طناب دار فاصله گرفت

فرستاده شد و از سوی قضات یکی از شعبات آن تأیید شد. زمان زنده‌ی تجاری حکم نمانده‌بود که جمشید توانست رضایت اولیای دم را جلب کند. به این ترتیب او بار دیگر در همان شعبه از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. متهم در آن جلسه در آخرین دفاعش گفت: «خیلی پشیمان هستم و این اشتباه بزرگی کردم. حالا سه سال است در زندانم و در این مدت همسر و دو فرزندم را ندیده‌ام. وقتی حکم اعدام تأیید شد، مادرم خیلی تلاش کرد که رضایت اولیای دم را بگیرد. او می‌گفت اگر اعدام هم بشود باید از مادر مقتول حلاوت بگیرم.» متهم در آخر گفت: «به خاطر یک اشتباه و حرق دستم، حالا سه سال است پشت میله‌های زندان عمرم را می‌گذرانم. از دادگاه تقاضا دارم با بخش مادرم مقتول مرا کمک کند تا هر چه زودتر آزاد شوم شاید بتوانم این روزها را برای خانواده‌ام جبران کنم.» در پایان هیئت قضایی با اعلام ختم جلسه، وارد شور شد.

با اقرارهای متهم، در حالی که پزشکی قانونی علت مرگ را ضربات متعدد به سر اعلام کرده‌بود، تلاش برای دستگیری اردشیر در جریان نبود، اما ردی از وی به دست نیامد. به این ترتیب جمشید به اتهام قتل، غصب عتاون دولتی و آدم‌ربایی راهی زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شد. ابتدای جلسه مادر مقتول درخواست قصاص کرد. در ادامه متهم در جایگاه فرار گرفت و گفت: «باور کنید قصد قتل نداشتم و حالا پشیمانم. من همراه اردشیر با مقتول درگیر شدم، اما او بود که مقتول را به شدت کتک زد و موجب مرگ او شد. وقتی دستگیر شدم، قتل را گردن گرفتم چون او متواری بود. درخواست گذشت دارم.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد و متهم را به قصاص و ۱۲ و شش ماه حبس محکوم کرد. این حکم با اعتراض وکیل متهم به دیوان عالی کشور

او درگیر شدیم و ناخواسته مرتکب قتل شدیم. متهم در ادامه گفت: «اردشیر از دوستانم بود. او با یک را می‌شناخت. روزی درباره بایک صحبت کرد و گفت او اعتیاد دارد و خواست کمکش کنیم تا ترک کند. قبول کردم و روز حادثه در حالی که لباس پلیس پوشیده‌بودم، مقابل خانه بایک رفتم. او سوار ماشین شد و در مسیر یکدفعه اردشیر مدعی شد او طلب دارد و از من خواست تا قبل از رسیدن به کمپ در این باره با او صحبت کنم. وقتی سر صحبت باز شد کار به درگیری کشید و در آن درگیری من و اردشیر او را به شدت کتک زدیم. یکبار به خودمان امدید که فهمیدیم از نفس افتاده‌است.» متهم در ادامه گفت: «همان لحظه به فکر رسیدم و از او خودرو بیرون بیندازم و فرار کنم، اما عذاب وجدان گرفتم و تصمیم گرفتم خودم با پلیس تماس بگیرم حتی اردشیر وقتی می‌خواست فرار کند، اصرار داشت با او همراه شوم، اما قبول نکردم.»

فاطمه صبوری پلیس قلابی که متهم است با همدستی یکی از دوستانش سرقت متعمد را به قتل رسانده‌بود، موفق شد با جلب رضایت اولیای دم از مرگ فاصله بگیرد.

آبان ماه سال ۹۸، مردی با پلیس تهران تماس گرفت و گفت در حاشیه یکی از مراکز ترک اعتیاد مرتکب قتل شده‌است. بعد از این تماس، مأموران به محل حادثه رفتند و با جسد مردی به نام بابک رویه‌رو شدند که شواهد اولیه نشان می‌داد او هنگام انتقال به کمپ ترک اعتیاد در درگیری با دو مرد به نام‌های اردشیر و جمشید کشته شده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، جمشید که با پلیس تماس گرفته‌بود، بازداشت شد. اما دوستش اردشیر متواری شد. جمشید در حالی که لباس پلیس به تن داشت، تحت بازجویی قرار گرفت. او گفت: «می‌خواستیم بایک را به کمپ ترک اعتیاد ببریم، اما بین راه با

اعتراف ۲ زن به سرقت ۴۰ خودرو

بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی به این شیوه اعتراف کردند و گفتند خودروهای سرقتی را در استان البرز اوراق می‌کردند و لوازم آن را به فروش می‌رساندند که بازداشت شدند.

سردار علی ابراهیمی، فرمانده انتظامی استان قزوین گفت: شوهر یکی از زنان هم در جریان سرقت نقش داشته‌است که تحقیقات برای بازداشت وی جریان دارد.

خلوت اتفاق افتاده است و سارقان با پرسه در محل مرتکب سرقت شده‌اند. بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد که همه سرقت‌ها از سوی دو زن جوان در حال رقم خوردن است.

دو زن جوان به اتهام سرقت ۴۰ دستگاه خودرو بازداشت شدند و به جرائم خود اعتراف کردند. به گزارش «جوان»، سردار علی ابراهیمی، فرمانده انتظامی استان قزوین گفت: چندی قبل شکایت‌های مشابه درباره سرقت خودرو در شهرستان و میهن‌په و مهرگان به مأموران پلیس گزارش شد. بررسی‌های پلیس در این باره نشان داد که سرقت‌ها در محل‌های

سردار حسین رحیمی*

صیانت از امنیت با همباری مردم و پلیس



امنیت اجتماعی، نزدیک‌ترین نسبت را با هویت و بقای جامعه دارد. هر تهدیدی که این هویت را نشانه بگیرد و در صدد از بین بردن ارزش‌های جامعه باشد، در واقع تهدید علیه امنیت اجتماعی و از بین برنده زمینه‌های رشد و تعالی جامعه محسوب می‌شود.

در شرایط هرج و مرج، میزان جرائم افزایش می‌یابد و ناهنجاری‌های اجتماعی، خود را بیش از پیش نشان می‌دهد. حتی عوامل برون‌زای تغییر فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه نیز سعی در نفوذ در هویت کلی کشور دارند، در این وضعیت بهترین راه‌حل از میان برداشتن زمینه‌های بروز ناامنی اجتماعی و برخورد با هنجار شکنان است. تردیدی وجود ندارد که مهم‌ترین مرحله مهار تهدید امنیت اجتماعی، مهار آن توسط نیروهای آموزش دیده امنیتی از جمله پلیس است که با رصد دائمی موضوعات پیش آمده و البته پیش‌بینی عوامل، بتوانند موضوع را مهار و از بروز اتفاقات مخل نظم در خیابان‌ها جلوگیری کنند. وجه دیگر برقراری امنیت به همکاری و همراهی مردم بازمی‌گردد. مادامی که مردم در جریان مأموریت‌های پلیس به این مجموعه اعتماد کنند و در کنار مأموران برقرار کنند نظم باشند، بازگرداندن آرامش به جامعه مقصدی دست یافتنی تر است.

مقام معظم رهبری امنیت را از بساخت همه ابعاد زندگی جامعه می‌داند، چراکه در صورت نبود امنیت، تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و حتی جامعه را از پیشرفت نیز بازمی‌دارد. متأسفانه در حوادث اخیر با وجود تلاش شایه‌روزی پلیس و حتی تقدیم شهید در این مسیر، شاهد کمرنگ شدن امنیت و احساس آن در جامعه هستیم. چراکه عدای فرصت‌طلب و اغتشاشگر از شرایط پیش آمده سوءاستفاده کرده و محیط زندگی امن و آرام مردم را با اعمال خشونت‌ناز خود، برهم زده‌اند. به طور حتم، پاسخ پلیس و مردم به اغتشاشگران کوبنده و پشیمان کننده است. اما آنچه این مدت ذهن جمعی جامعه را به خود مشغول کرده، تجری مجرمان، بهر بدراری سوء از وجهه افت اسلامی حاکمیت و پلیس، افتادن به دام رسانه‌های بیگانه و تبدیل شدن به ستون پنجم دشمن و محترم نشمرن د جان‌های عزیزی است که در راه اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی و نگهداشتن امنیت داخلی از میان رفته‌اند.

پلیس به عنوان حافظ و ناقدانده نظم و امنیت عمومی همواره از آمادگی لازم برخوردار است و همانطور که مردم خط خود را از اغتشاشگران جدا کرده‌اند، مرز میان معترض واقعی و اغتشاشگر را نیز به خوبی می‌داند و اجازه عرض اندام به هنجار شکنانی که امنیت فیزیکی و روانی مردم را به هر نحوی به هم می‌زنند، مماشات نمی‌کند. گرچه همواره با رفت و مهربانی بر وجه اقتدار نظم و پلیس می‌چرند، اما در جایی که هر جرمی به خود اجازه دهد از فضای پیش آمده برای مطالبات و اعتراضات بحق مردم سوءاستفاده کند، ناگفته نماند که پلیس، بلکه مردم نیز از موضع خود مبنی بر برخورد سخت و عبرت‌آموز با عوامل ناامنی کوتاه نمی‌آیند.

نبود امنیت، جانفشانی و سخت‌انست. تجسم این ناامنی را می‌توان در چهره غمزده و همیشه تکران برادران و خواهران کشورهای همسایه که از بیم جان و زندگی‌شان و از ترس جنگ و ناامنی به ایران همیشه امن، پناه آورده‌اند، به وضوح مشاهده کرده‌آخرین کلام این است اغتشاشگران نمی‌توانند با حضور، صدمات احتمالی و حتی به شهادت رساندن مردم و مأموران به اغراض پلید خود برسند، چراکه مردم و پلیس با بصیرت اجازه‌فراحت مجرمان و جولان دادن اغتشاشگران را نداده‌اند و از امنیت خود به عنوان دری گرانبها آن هم در منطقه و جهان آشوب‌زده حفاظت و صیانت خواهند کرد.

«فرمانده انتظامی پایتخت

شلیک مرگبار

برای سرقت موتورسیکلت

مجرم رسابقه‌دار که برای سرقت موتورسیکلت و کب آن را به قتل رسانده‌بود، در شهرستان سسراوان بازداشت شد.

به گزارش «جوان»، سرهنگ مرتضی جوکار، جانشین فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان گفت: چند روز قبل مأموران پلیس شهرستان ایرانشهر از حادثه تیراندازی در یکی از محله‌های شهر با خبر شدند و در این باره تحقیق کردند. بررسی‌ها نشان داد راکب موتورسیکلت در جریان حادثه تیراندازی جانش را از دست داده‌است که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین معلوم شد حادثه خونین در جریان سرقت موتورسیکلت رقم خورده‌است. مأموران پلیس در جریان تحقیقات بعدی عامل قتل را شناسایی کردند. متهم از مجرمان سابقه‌دار بود که قبلاً به اتهام قتل، نزاع و سرقت بازداشت شده‌بود. با کامل شدن بررسی‌ها مشخصه متهم در شهرستان ایرانشهر شناسایی و بازداشت شد. متهم در بازجویی‌های اولیه اعتراف کرد حادثه را با انگیزه سرقت موتورسیکلت رقم زده‌است.

مفقودی

برگ کمپانی، برگ سبزو کارت شناسایی خودروی سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۳ به رنگ خاکستری و شماره پلاک ۹۶۱۰۳۳ ایران، ۲۰ و شماره موتور ۱۰۴۵۲۱۰۱۶ RM1 و شماره شاسی ۰۵۲۹۶۲۶K۱۲۴۴۰۵۲۹۶۲۶ متعلق به نصرالله سیفی پروگوا کد ملی ۵۶۶۹۱۶۸۸۷۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان

۸۸۴۹۸۴۷۶



سازمان آگهی‌های

روزنامه جوان

تلفنی آگهی می‌پذیرد

۸۸۴۹۸۴۵۸

به جوان دوباره نگاه کن

Javanonline.ir



مفقودی

برگ کمپانی خودرو سواری نیسان تیپ ماکسیما AT مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید متالیک به شماره پلاک ایران ۶۸-۸۲۸ ج۷۵ و شماره موتور VQ3۰۵۸۰۶۷۴B و شماره شاسی ۰۳۲۱۳۴۱۶۳۵۲۰۵۷۸۷ متعلق به داود نادم رازیلیقی با کد ملی ۰۳۲۱۳۴۱۶۳۵۲۰۵۷۸۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

کلیه مدارک اعم از برگ سبزو خودروی سواری سمند مدل ۱۳۹۲ به رنگ مشکی به شماره انتظامی ایران ۸۲/۶۲۳ ص۹۶ به شماره موتور ۱۴۷H۰۰۵۵۷۶۱ و شماره شاسی ۰۵۵۷۶۱۰۱۴۷H۰۰۵۵۷۶۱ NAACR۱HS۲DF۵۶۲۰۸۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

برگ سبزو کامیون کیمرسو سیستم امیکو مدل ۱۳۹۳ به شماره موتور ۰۲۶۲۵۳۰۱۵۱۱L و شماره شاسی ۰۰۳۸۰۰NA۲A۳LLD۶EA و شماره پلاک ۳۳۶ ع۱۳۳ ایران ۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مسدردک فارغ التحصیلی اینجانب زهرابیاتی تروجنی فرزند محمدعلی در مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی صادره از واحد دانشگاهی آزاد سلمان با شماره ۳۲۲۲۴۷۹ مفقود شده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحدسمنان به نشانی سمنان، کیلومتر ۵-حاده سمنان -دامغان مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان ارسال نماید.

آگهی‌های نوبتی سه ماهه دوم سال ۱۴۰۱ حوزه ثبتی منطقه یک اراک

مورد نظر ظرف مدت ۹۰ روز دادخواست وخواهی خود را به اداره ثبت اسناد شهرستان اراک تسلیم و طبق ماده ۸۶ آیین‌نامه قانون اصلاحی ثبت معترض مکلف است ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت نسبت به تقدیم دادخواست به مراجع قضائی اقدام نماید در غیر این صورت برابر گواهی ارائه شده توسط متقاضی مبنی بر عدم دادخواست برابر مقررات عملیات ثبتی ادامه خواهد یافت. ضمناً حقوق ارتقافی هر یک از پلاک‌های مذکور برابر ماده ۵۶ آیین‌نامه قانون ثبت در موقع تحدید حدود در صورت مجلس تحدیدی قید و اعتراض به حقوق ارتقافی به مدت ۳۰ روز پذیرفته می‌گردد. این آگهی در دو نوبت در روزنامه سراسری چاپ تهران منتشر می‌گردد. تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه‌شنبه ۱۴۰۱/۱۰/۱۱ رئیس ثبت اسناد منطقه یک اراک - محمدحسین عبدی

به موجب ماده ۱۲ قانون ثبت اسناد و املاک و مواد ۵۹ و ۶۴ آیین‌نامه

قانون ثبت اینک اسامی کسانی که در سه ماهه چهارم سال ۱۴۰۰ نسبت به املاک مجهول‌المالک درخواست ثبت نموده‌اند با ذکر نوع ملک مورد تقاضا جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد: ۱- پلاک ۹۵ فرعی از ۳۹۳۴ اصلی آقای نصرت‌اله کماتی فرزند حاجت‌اله به شماره ملی ۰۵۵۸۱۷۲۶۸۰۵۵۸۱۷۲۶۸۰ نسبت به شش دانگ یک باب عمارت به مساحت ۱۰۴/۱۷۲ مترمربع واقع در بخش یک اراک فرورز مجزی شده از ۲ فرعی از اصلی مذکور.

۲- پلاک ۹۶ فرعی از ۳۹۳۴ اصلی آقای حبیب‌اله امیری فرزند عبدالله به شماره ملی ۰۶۲۰۲۲۸۱۹۹۰۶۲۰۲۲۸۱۹۹۰ نسبت به شش دانگ یک باب عمارت به مساحت ۱۴۴/۳۳ مترمربع واقع در بخش یک اراک فرورز مجزی شده از ۲ فرعی از اصلی مذکور. فلذا به موجب ماده ۱۶ قانون ثبت چنانچه کسی نسبت به املاک مندرج در این آگهی اعتراض داشته باشد می‌تواند نسبت به پلاک